

## گفت و شنود کتایون آذرلی با ژاله اصفهانی

=====

پرسش — چرا و چگونه شعر می‌سرایید؟

پاسخ — چرا شعر می‌گوییم؟ این نیازی است که باید برآورده شود. اما چگونه؟ با شعرم پاسخ می‌دهم: سکوت آشفته / سرود ستاره‌ی سرگردان در کهکشان‌ها / شعری پدید آمد.

پرسش — از نظر شما «شعر» چه تعریفی دارد و مشخصه‌ی یک شعر خوب، در هر قالبی که مطرح می‌شود، چیست؟

پاسخ — شعر نغمه‌ی روح است و ندای آزادی. اگر اندیشه‌ای ژرف در زبان درست و زیبا تجلی کند، شعر خوب است. در هر قالبی که می‌خواهد باشد.

پرسش — انگیزه‌ی اصلی شما برای سرودن شعر چیست؟

پاسخ — انگیزه‌ی اصلی شعر سرودن در من شوق آتشی است که زیانه می‌کشد و بیرون می‌تراود.

پرسش — چه مقولاتی را در شعر جست و جو می‌کنید؟ به عبارت دیگر چه مفاهیمی را در شعر دنبال می‌کنید و یا ذهن شما در حال حاضر به چه مقولاتی مشغول و یا حساس است؟

پاسخ — مفاهیم خودشان به ذهن و به احساس من هجوم می‌آورند. من پی آن‌ها نمی‌گردم.

پرسش — نظر شما به طور کلی در مورد شعر معاصر چیست؟

پاسخ — شعر امروز رو به پیشرفت و تازه شدن است.

پرسش — نقش نیما را در تحولات شعر امروز تا چه حد می‌دانید و چرا؟

پاسخ — نقش و نوآوری نیما یوشیج در شعر فارسی برجسته و بی‌مانند است. من ستایشگر او هستم.

پرسش — نقطه‌ی افتراق و جدائی شعر امروز و شعر آزاد (سپید) را در چه می‌دانید؟

پاسخ — متوجه پرسش شما نمی‌شوم. افتراق و جدائی یعنی چه؟ شعر اگر واقعی و ناب باشد در وزن عروضی یا به شیوه‌ی آزاد، شعر است و گر نه شعر نیست.

پرسش — به وزن در شعر تا چه حد معتقد هستید و چرا؟

پاسخ — وزن یکی از سه رکنی است که شمس قیس رازی برای شعر حتمی می‌دانست. اوزان عروضی بیش از هزار سال بر شعر ما فرمانروائی کردند که چه پُرشکوه و چه جاودان! اما امروز دیگر نمی‌توان گفت که شاعران حتما باید به وزن عروضی شعر بگویند. شعر آزاد - مدرن هم دارای وزن ویژه‌ای است که باید رعایت شود. و گر نه شعر نثر گونه می‌شود. من از جوانی با وزن‌های عروضی به دنیای شعر آمدم. به‌طور کلی یک نوع وزن را در شعر لازم می‌دانم. به گفته‌ی نیما یوشیج: «برای بی‌نظمی هم به نظمی قائلیم». شعر آزاد هم می‌گوییم و از قافیه هم، نه به شکل کلاسیک مرسوم، بلکه جا به جای شعر، یاری می‌گیرم تا سروده را خوش آهنگ کند.

پرسش — خانم ژاله اصفهانی، در مورد نیما و بدعت شعرش قال و مقال هائی شنیده شده است، با در نظر گرفتن رساله‌ای که شما در مورد نیما نوشته‌اید، می‌خواستم بدانم در جهت شناسائی فنی و بنیادین شیوه‌ی نیما چه شگرد هائی را در سبک او بارز و مشخص می‌دانید و چرا؟

پاسخ — من در باره‌ی نوآوری، یا به گفته‌ی اخوان ثالث بدعت هائی، نیما یوشیج سال‌ها پیش از این رساله‌ای نوشتم که برگردان آن به زبان روسی چاپ و منتشر شد. پیش از هر چیز می‌خواهم بگویم که من به شهامت نیما احترام می‌گذارم که بدون هیچ گونه بیمی و باکی ویران کرد تا از نو بسازد و ساخت. نیما سنت شکن نوآور است. اوزان عروضی را که رفته رفته به تکرار و تقلید مبدل شده بود در هم ریخت یعنی تساوی مصرع‌ها را در هم شکست و گفت آن‌ها را بر حسب اقتضای مفهوم می‌شود کوتاه و بلند کرد. و این اساس کار او یا مهم‌ترین کارش بود که عنوان شعر نو را پدید آورد. این شعر نو یا شعر نیمائی بود که مورد تهاجم سنت‌گرایان و مخالفان قرار گرفت. نکته‌ی مهم دیگر این که نیما یوشیج با نگاه تازه و تصور هائی مشخص نو که ویژه‌ی خود اوست شعر گفت. ضمناً نیما یوشیج زبان شعر را به زبان مردم نزدیک کرد.

پرسش — لطفاً کمی راجع به کیفیت زبان شعری نیما، امکانات و دشواری هائی آن، نحوه‌ی کاربرد واژگان در این سبک شعر توضیحاتی بفرمائید.

پاسخ — به سبب دوری از بایگانی‌ام برای من فعلاً میسر نیست نکات مثبت و منفی زبان نیما یوشیج را به صورت علمی — ادبی ارزیابی کنم. نیما چنان شیفته‌ی پیشبرد کار خود، یعنی شکستن وزن هائی عروضی و آزادی کاربرد آن‌ها بود که به زبان شعرش چندان اهمیت نمی‌داد. لذا گاه پیش می‌آمد که واژه‌ها و حتا جمله‌های شعر را پس و پیش می‌کرد که مورد ناخرسندی پیروان سبک فاخر می‌شد.

پرسش — تغزل چه پایه و منزلتی در شعر شما دارد. به عبارت دیگر می‌خواهم بدانم غنائی یا لیریسیم چه جایی در شعر شما دارد؟

پاسخ — تغزل لبخند شعر است که روح را می‌نوازد. اگر لیریسیم را از شعر جدا کنند، فضای شاعرانه دلگیر و مه گرفته می‌شود. من می‌کوشم شعر تا جایی که ممکن است تغزل گونه باشد.

پرسش — غزل را در شعر بعد از نیما چگونه ارزیابی می‌کنید و آیا نوآوری هائی در این فرم از شعر به چشم می‌خورد؟

پاسخ — نیما نقشی در غزل سرائی ندارد. اگر گفته می‌شد پس از شهریار شاید بهتر می‌بود. غزل تنها شکل یا فرمی است از شعر کلاسیک ما که هنوز از رونق نیفتاده است. غزل هائی هوشنگ ابتهاج — سایه تازگی هائی دارد که به دل می‌نشیند و امروزی است. لزوم و همراهی غزل با موسیقی سنتی — آواز، انگیزه‌ی به جا ماندن این نوع شعر است.

پرسش — می‌دانیم که شعر امروز با وجود مخالفت هائی که از ناحیه‌ی عده‌ای با آن می‌شود تا کنون جریان خود را ادامه داده است و شاعران نوپردازی که در حقیقت شاعر هستند و مقبول عام شده‌اند، به نظر شما این جریان به سوی کمال پیش می‌رود یا خیر؟ اگر پیشنهادی برای بارور تر شدن آن و عدم انحراف آن به نظرتان می‌رسد، لطفاً بفرمائید.

پاسخ — شعر امروز ایران روند طبیعی خودش را می‌پیماید و دیگر بر سر شکل فرم مخالفت‌های جدی دیده نمی‌شود. شاعران نوپرداز بر تخت روان شهرت و محبوبیت نشستند، بی پروا و بی اعتنا به نظر دیگران با شیوه‌های گوناگون شعر سرائی را ادامه دادند. احمد شاملو، یداله رویائی، سیاوش کسرایی، نادر نادرپور، فروغ فرخزاد، اسماعیل خوئی، شفیعی کدکنی و سیمین بهبهانی در فرم غزل در بسیاری از شاعران جوان تاثیر گذار بودند و هستند. میرزا آقا عسگری مانی در آغاز راه شاملو را پیش گرفت و امروز شاعری است مستقل و نوپرداز و همچنین ژیلای مساعد و دیگران هم هستند. به ویژه شاعران نسل سوم که مثل شکوفه‌های بهاری دارند درخت شعر ما را تماشائی می‌کنند و گاهی هم به حیرت می‌آورند. اما پیشنهاد من برای بارور تر شدن شعر این است که شاعران کمتر شعر بگویند و بیشتر روی سروده‌هایشان کار کنند. به مصداق «کم گوی و گزیده گوی» به چاپ نرسانند تا در وهله‌ی اول ملی بشوند آنگاه جهانی. حرص جهانی شدن سرایندگان ما را منقلب کرده است. در نشریه‌ای خواندم شمار شاعران معاصر ایران به یک میلیون می‌رسد و هر شاعر با چندین کتاب شعر. اگر مردم بخواهند همه‌ی آن‌ها را بخوانند از کار و زندگی روزانه به کلی باز می‌مانند. این طور نیست؟

پرسش — با توجه به این که عده‌ای از شاعران سنت‌گرا با شعر امروز هرگز موافق نیستند و عده‌ای وزن را از ارکان لازم شعر می‌دانند، آیا این که شاخه‌ای از شعر نیمائی به شعر آزاد سپید، مشخص می‌شود، مسیر جبری خود را پیموده است، یا عده‌ای آن را از مسیر صحیح منحرف کرده‌اند؟

پاسخ — شاعران سنت‌گرای ما، امروز دیگر با شعر بدون اوزان عروضی — شعر آزاد — آشتی کرده‌اند. لذا با مدرنیست‌ها خصومتی ندارند. سبک نیما و شعر آزاد به‌طور گسترده‌ای جای خود را در جامعه باز کرده است که پیش‌گیری از آن میسر نیست، اگر هرج و مرج و افراط در کار نباشد که هست.

ببخشید که می‌پرسم چرا شما واژه‌ی آزاد را برای شعر، با سفید در یک معنا می‌آورید؟ تنها شما نیستید. دیگران هم همین کار را می‌کنند. در حالی که شعر آزاد شعری است خارج از وزن‌های کلاسیک مرسوم و شعر سفید شعری است بدون قافیه.

پرسش — خانم ژاله شما دست کم تجربه‌ی دو نسل را دارید، با این تجربه‌ها، نگرش شما به وقوع انقلاب ۵۷ در ایران و تاثیر آن بر روی فرهنگ و ادب و هنر چه بوده است؟

پاسخ — تاثیر انقلاب ۱۳۵۷ بر فرهنگ و شعر ایران موضوع و مسئله‌ای است که باید گروه هنر پژوهان، سخنوران، جامعه‌شناسان، تاریخ‌نگاران و منتقدان یک جا به تحقیق بنشینند. این کار یک نفر نیست. اما آن چه مربوط می‌شود به ژاله که به گفته‌ی شما تجربه‌ی دو نسل را دارد، درست تر بگویم سه نسل شاعر را دیده و آثارشان را خوانده، باید بگویم پس از انقلاب شعر ما پُر کار تر شده و پیدا و پنهان عاصی تر. در درون نمادها، سمبل‌های گاهی زیبا، ناخرسندی لانه کرده. از این لانه‌ها آواز بلبل به گوش نمی‌رسد. غبار اندوه و اعتراض بر می‌خیزد. شعر به‌طور کلی فراوان تر شده است. مرثیه‌سازی، شعار مذهبی که در اثر مبارزات شاعران آزادی خواه دوران مشروطیت از ادبیات سده‌ی بیستم ایران تقریباً رخت بر بسته بود پس از انقلاب دو باره قد علم کرد و این در اثر یکی بودن دین است و دولت که شاعران تشویق یا تهدید می‌شوند که مثلاً پنج هزار بیت شعر در وصف نماز گفته شود و بهترین آن‌ها در تلویزیون جایزه بگیرد. اما در مورد رشته‌های دیگر هنر باید گفت که پس از انقلاب نگاره

گری و سینما پیشرفت های امیدوار کننده ای دارند که به ویژه نقش خانم ها در این دو رشته چشم گیر است. خوش بختانه در این دوران کتاب و کتابخوان زیاد تر از پیش شده است. اما هنوز کافی نیست. کتاب غنا و تجلی فرهنگ هر ملتی است.

پرسش — رسالت شاعر امروز را در چه می دانید؟

پاسخ — رسالت امروز شاعر بیدار کردن خواب زدگان است برای رهائی از هرگونه فشار اجتماعی و اعتقادی. کوشش مدام در راه آزادی و آزادگی فارغ از سانسور و ستم. بر پا کردن پیکره های شادی و زیبایی در میان مردم و جامعه ی غم زده مان.

پرسش — گروهی از افراد همچون شاعر کوچه ها، مشیری، معتقدند که شعرا و نویسندگان نباید به مسائل سیاسی روز توجه کنند و بیشتر باید به موضوع های عام توجه داشته باشند. نظر شما در این مورد چیست؟

پاسخ — آنان که می گویند شاعران و نویسندگان نباید به مسائل سیاسی توجه داشته باشند، دور از خواست ها و نیاز های جهان امروزند. هر انسان سالم طبیعی به گونه ای سیاسی است. اهل قلم بیشتر از دیگران باید با آن چه روزانه در جامعه ی خودشان و در جهان رخ می دهد، آشنا باشند. در بروشور سازمان ملل آمده است که «هنرمند یک شاهد حساس و دل نگران دنیا ست».

پرسش — جریان شعر معاصر و نیز شاعران را در این دورانی که تجربه کرده اید، چگونه ارزیابی می کنید؟

پاسخ — در پیش گفتم که شعر امروز ایران فریاد اعتراض و آزادی خواهی است — آزادی اندیشه و بیان. شعر امروز ما از لحاظ فرم و محتوا و مضمون رنگ رنگ است. بسیار است. گاهی هم سر به هوا است. شاعران ما صد سال است یا کشته می شوند، یا زندانی، یا تهدید یا تبعید. از آن وقت که مدیحه و مرثیه را کنار گذاشته اند، بی پشتوانه شده اند و در نتیجه همواره تنگ دست اند. در نتیجه نمی توانند بی درد سر دفتر های شعرشان را چاپ و منتشر کنند تا به دست مردمی که دوست می دارند برسد و مردم ایران شعر دوست اند و با شعر زندگی می کنند. این تنها تشویق و پاداش شاعران است.

پرسش — از آن جا که شما در باره ی شعر معاصر ایران، افغانستان و تاجیکستان تحقیقاتی داشته اید، لطفا بفرمائید نقطه ی پیوند و مشترک شعر این سه سرزمین را در چه می دانید؟

پاسخ — بله من سال ها سرگرم پژوهش و تطبیق شعر معاصر ایران، افغانستان و تاجیکستان بوده ام. اثری هم حدود سیصد صفحه در این باره نوشته ام که چاپ نشده اما در زمان خود مورد پذیرش استادان دانشگاه های افغانستان و تاجیکستان قرار گرفته است. این اثر در تاجیکستان با خط سیرلیک چاپ و منتشر شده است. خوش بختانه با بیشتر سخنوران افغان و تاجیک آشنا هستم. به نظر من نقطه ی پیوند شعر در این سه سرزمین، زبان است. زبان رودکی، زبان فردوسی. آثار و اشعار این دو نابغی جاودان، هویت فرهنگی مشترک مردم این سه کشور است.

پرسش — چه انگیزه و عاملی سبب نگارش کتاب «سایه ی سال ها» شد؟

پاسخ — در بیست سالی که گذشت دو روی داد مهم در ایران و در شوروی پیشین رخ داد. جنگ هشت ساله و فروپاشی که هر دو در زندگی من بی تاثیر نبودند. برای به دست آوردن آرامش موقتی و از نو ساختن زندگی ام و خودم به قلم پناه بردم. در سرگذشت ام و گذشته هایم غوطه ور شدم و این کار با فاصله ها شش سال طول کشید.

ابدا نمی‌خواستیم آن را چاپ کنیم. اما پیشنهاد و حتا اصرار دوستان ام و <sup>وادارم</sup> کرد که با انتشار «سایه‌ی سال‌ها» موافقت کنیم. سال ۱۳۷۹ در آلمان چاپ شد.

پرسش — آیا در حال حاضر کتابی آماده‌ی چاپ دارید؟ لطفا کمی توضیح بدهید.

پاسخ — سروده‌های چاپ نشده و شماری از شعرهای از یاد رفته‌ام را گردآوری کرده‌ام که برای چاپ حاضر است. اگر کارهای فراوان حاشیه‌ای بگذارد. مثلا پُر کردن لوح فشرده به اصرار دوستان. فرستان ماتریال به داشتگاه قاهره که تصمیم دارند کتاب «موج در موج» مرا به عربی ترجمه کنند و بر اساس آن اثر تحقیقی — ادبی بنویسند. ضمنا سه گفت و شنود هم انجام شده که کاوشگران دیگر هم منتظرند به سراغشان بروم. و نیز ده‌ها نامه از نویسندگان و شاعران خودمان و کشور های دیگر که باید پاسخ بگویم و اگر کتاب فرستاده‌اند می‌خواهند نظر بدهم. افزون بر همه‌ی این‌ها زن هستم با تمام وظایف. ببخشید به گمان‌ام کافی است گفتن از خویشتن.

دروود بر شما و خوانندگان ارجمند این گفت و شنود. متشکرم. زاله <sup>اصغر</sup>

۱۹  
لادن خرم نزاری ۲۰۰۱